

سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ از منظر قدرت هوشمند

احسان جعفری^۱

حبیب اله ابوالحسن شیرازی^{۲*}

چکیده

کشورهای قفقاز جنوبی پس از فروپاشی شوروی به استقلال رسیدند. در این میان تشدید اختلافات ارضی بین آذربایجان و ارمنستان باعث به وجود آمدن نزاع‌های سخت بر سر قره‌باغ شد. هم‌زمان ترکیه نیز با سیاست‌های منطقه‌ای خود درصدد برآمد تا به‌عنوان برادر بزرگ ترک با ترکیب قدرت نرم و سخت یا به عبارتی قدرت هوشمند، در حمایت از آذربایجان نقش برجسته‌ای را ایفا کند. مقاله حاضر به روش توصیفی و تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش برآمده است که راهبردهای عمده سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ برای نفوذ در قفقاز جنوبی از منظر قدرت هوشمند چیست؟ در پاسخ به این پرسش، با در نظر گرفتن مبانی قدرت هوشمند (قدرت سخت و قدرت نرم) و ملاحظه سه بازه زمانی قبل، حین و بعد از جنگ فرضیه مقاله این است که ترکیه بعد از یک‌صد سال دوری از منطقه قفقاز جنوبی با نگاه فرصت‌محورانه به بحران قره‌باغ تلاش داشته است تا بدون ورود مستقیم به جنگ ترکیبی از سیاست‌های سخت شامل تقویت قدرت نظامی آذربایجان و سیاست‌های نرم متکی بر هویت قومیتی و نژادی دو کشور را برای نفوذ بکار بگیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد هرچند قدرت هوشمند ترکیه سعی داشته است تا با کمترین هزینه بیشترین سود را از شرایط بحرانی قره‌باغ به دست آورد ولی در نهایت به سبب تأثیر روسیه در بحران این کشور نتوانست در منطقه قفقاز جنوبی با موفقیت کامل به اهداف سیاست خارجی خود دست یابد.

واژگان کلیدی: ایران، بحران قره‌باغ، ترکیه، قدرت هوشمند

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* habib_shirazi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۷

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و هفت، صص ۲۴۵-۲۷۱

جمهوری آذربایجان در ۳۰ اوت ۱۹۹۱ استقلال خود اعلام کرد و در نوامبر همان سال ترکیه اولین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت. روابط دیپلماتیک دو کشور در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۲ برقرار شد و برای تقویت روابط سرکنسولگری در باکو به سطح سفارت ارتقا یافت. روابط ترکیه با آذربایجان را می‌توان یک رابطه چندوجهی و در سطح استراتژیک در نظر گرفت که دو کشور باهدف تقویت بیشتر روابط دوجانبه تلاش نموده‌اند و دلایل مختلفی در تقویت رابطه دو طرف قابل‌بیان است اما آنچه امروز می‌توان بیان داشت این است که اهمیت استراتژیک روابط آذربایجان و ترکیه فراتر از بحث‌های قومیتی بوده و ترکیبی از سیاست‌هایی است که دو طرف به دنبال گسترش منافع امنیتی و اقتصادی است. در یک سو سیاست نئوعثمان گرایی و بین‌الملل گرایی ترکیه است که برای کسب جایگاه ویژه خود در نظام بین‌الملل می‌کوشد و در سوی دیگر جایگاهی است که آذربایجان به سبب داشتن ذخایر انرژی مورد توجه کشورهای اروپایی برای عبور از وابستگی به انرژی روسیه قرار گرفته است. در این میان نقش ژئوپلیتیک ترکیه به‌عنوان مسیر جنوبی انرژی اتحادیه اروپا موجب ایجاد نگرش‌های ژئواستراتژیک و اهمیت دو کشور در صحنه بین‌المللی شده است. با این حال باید در نظر گرفت که ترکیه از لحاظ دستیابی به منافع ژئوپلیتیک و نفوذ در قفقاز طی دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ موفق نبوده است چراکه به سبب نداشتن منابع لازم برای پیشبرد این اهداف خود و نفوذ روسیه آن‌چنان‌که باید نتوانست اقدام مؤثری انجام دهد اما پس از سال ۲۰۰۲ و با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، چرخش محسوسی در جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور به وجود آمد و یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها تلاش ترکیه برای تقویت روابط با آذربایجان با اهداف بلندپروازانه است از همین رو، ترکیه به آذربایجان به‌عنوان یک فرصت مناسب برای به دست آوردن ترانزیت انرژی به اروپا، استفاده از این اهرم در چانه‌زنی‌های خود برای پیوستن به اتحادیه اروپا، دسترسی به مناطق دوردست از طریق توسعه روابط خود به‌ویژه از طریق تقویت کشورهای همسایه که دارای اشتراکات زیادی هستند و بنابراین در نظر ترکیه بحران قره‌باغ فرصت مناسبی است که این کشور با نزدیک شدن هرچه بیشتر به آذربایجان امکان گسترش نفوذ به سوی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی را فراهم آورد.

قره‌باغ میان در داخل خاک آذربایجان قرار دارد ولی با حمایت ارمنستان از اعلام استقلال این منطقه در ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱ جنگ تمام‌عیار میان دو کشور آذربایجان و ارمنستان به وقوع پیوست. این جنگ واکنش‌های متعددی را برانگیخت و سازمان‌های بین‌المللی برای حل آن وارد شدند. چهار قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر محکومیت ارمنستان موجب عقب‌نشینی این کشور نشد و برای خاتمه بحران گروه مینسک (۱۹۹۲) به ریاست مشترک فرانسه، روسیه و ایالات‌متحده تشکیل شد که این گروه نیز نتوانست مخاصمات و درگیری‌ها را پایان دهد. از همین رو، بعد از وقوع درگیری‌های متعدد در آخرین درگیری آذربایجان در سال ۲۰۲۰ با ناامیدی از میانجیگری‌ها و اقدامات دیپلماتیک، تصمیم به اقدام نظامی برای بازپس‌گیری مناطق تصرف‌شده کرد و با پیروزی این کشور در جنگ ۴۴ روزه بر سر منطقه ناگورنو قره‌باغ، نیروهای آذربایجانی بیش از ۳۰۰ شهرک از جمله شهرهای جبرائیل، فضولی، زنگیلان، گوبادلی و شوشا را توانستند آزاد کنند.

در این پژوهش تلاش خواهد شد تا با توجه به روابط ترکیه و آذربایجان و حمایت ترکیه از این کشور در برابر ارمنستان به نقش ترکیه در این بحران و بهره‌برداری از این فرصت در تحقق منافع راهبردی خود پرداخته شود. با توجه به اینکه حمایت ترکیه از آذربایجان ترکیبی از راهبردهای سخت و نرم بوده است بنابراین پژوهش در نظر دارد تا سیاست خارجی ترکیه را از منظر قدرت هوشمند مورد واکاوی قرار بدهد؛ بنابراین پرسش اصلی اینکه به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری‌شده با اسناد کتابخانه‌ای و پایگاه داده‌ها این است که راهبردهای عمده سیاست خارجی ترکیه در بحران قره‌باغ برای نفوذ در قفقاز جنوبی از منظر قدرت هوشمند چیست؟ در پاسخ به این پرسش، با در نظر گرفتن مبانی قدرت هوشمند (قدرت سخت و قدرت نرم) و ملاحظه سه بازه زمانی قبل، حین و بعد از جنگ فرضیه مقاله این است که ترکیه بعد از یک‌صد سال دوری از منطقه قفقاز جنوبی با نگاه فرصت‌محورانه به بحران قره‌باغ تلاش داشته است تا بدون ورود مستقیم به جنگ ترکیبی از سیاست‌های سخت شامل تقویت قدرت نظامی آذربایجان و سیاست‌های نرم متکی بر هویت قومیتی و نژادی را در حمایت از آذربایجان بکار بگیرد.

پیشینه تحقیق

در پیشینه پژوهش می‌توان مبحث قدرت هوشمند، بحران قره‌باغ و سیاست‌های ترکیه در قفقاز را شناسایی کرد که در این پژوهش تلاش شده است تا مبحث قدرت هوشمند را برای کشور ترکیه در قبال بحران قره‌باغ بکار گرفته شود:

مقاله احسان جعفری فر و حبیب اله ابوالحسن شیرازی (۱۴۰۰) با عنوان " سیاست روسیه در بحران سوریه از منظر قدرت هوشمند " به دنبال پاسخ به این پرسش بود که راهبردهای عمده سیاست خارجی روسیه در سوریه از منظر قدرت هوشمند چیست؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه مقاله بیانگر آن است که بر اساس ماهیت ترکیبی (قدرت نرم و قدرت سخت) در الگوی قدرت هوشمند، اگرچه ابعاد نرم‌افزارانه قدرت روسیه در حوزه پیرامونی با چالش‌های جدی همراه بوده است، اما نقطه تکیه قدرت هوشمند این کشور مبتنی بر قدرت سخت است.

زمینه‌های واگرایی در روابط ترکیه و ارمنستان نوشته محمدعلی بصیری و مصطفی خیری (۱۳۹۶)، در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که سرمنشأ واگرایی موجود در روابط ارمنستان و ترکیه کجا است؟ در پاسخ به آن، این فرضیه مطرح شده است که مناقشه قره‌باغ را می‌توان عامل اصلی قطع روابط دو کشور همسایه دانست و در کنار آن می‌توان به ادعاهای ارضی ارمنه و مسئله نسل‌کشی اشاره کرد.

سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه نوشته حشمت‌الله فلاحت‌پیشه و همکاران (۱۳۹۴)، سؤال اصلی مقاله این است که سیاست‌های قفقازی ترکیه چه تأثیراتی بر منافع ایران و روسیه گذاشته است که سبب به وجود آمدن تقابل منافع میان آن‌ها در قفقاز شده است؟ فرضیه مقاله حاضر نیز این است که، سیاست‌های ترکیه در قفقاز، به دلیل تأثیرگذاری مستقیم بر منافع منطقه‌ای ایران و روسیه و تحدید منافع آن‌ها، سبب به وجود آمدن تقابل منافع میان ترکیه با ایران و روسیه در قفقاز جنوبی شده است.

علیرضا حق وردی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناس ارشد خود در رشته مدیریت با عنوان سنجش ارتباط تفکر استراتژیک با قدرت هوشمند بیان می‌دارد که قدرت هوشمند پاسخی به ناکامی‌های قدرت سخت و محدودیت‌های قدرت نرم برای تبیین و درک

پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌های مدیریت جدید جهانی و سیاست است. این پژوهش سعی در سنجش ارتباط میان تفکر استراتژیک و قدرت هوشمند برآمده است و از طریق آزمون فریدمن و ماتریس همبستگی نتایج قابل توجهی از نظر خبرگان رقم خورد: ۱. وجود رابطه‌ی مثبت متوسط و معنی‌دار دوطرفه بین دو متغیر تفکر استراتژیک و قدرت هوشمند ۲. وجود قوی‌ترین همبستگی قدرت هوشمند با توجه به محیط است.

علیرضا کچوئیان (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه خود با عنوان الزامات و سازوکارهای تلفیق قدرت نرم و سخت (قدرت هوشمند) در سیاست خارجی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما در قبال ایران نتیجه می‌گیرد که دولت آمریکا با رویکرد قدرت هوشمند در دوران اوباما درصدد است تا با شیوه‌ای بسیار ماهرانه به رویارویی با جمهوری اسلامی ایران بپردازد و در این خصوص از تاکتیک‌های تحریم اقتصادی، تهدید نظامی، جنگ رسانه‌ای، دیپلماسی و همکاری با دیگر کشورها و سایر ابزارها استفاده می‌نماید.

چارچوب تحلیلی: مفهوم قدرت هوشمند

پس از حوادث تروریستی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، مفهوم قدرت در بین نظریه‌پردازان تغییر کرد. بعدازآن اتفاق مشخص شد که مؤلفه‌های قدرت سخت و قدرت نرم کارآمدی لازم را در برابر تهدیدهای متنوع قرن ۲۱ ندارد. ایده قدرت هوشمند نخستین بار توسط سوزان ناسل^۱ در نشریه امور خارجی (۲۰۰۴) به‌کاربرده شد. این قدرت به‌عنوان شیوه‌ای عمل‌گرایانه برای پیشبرد منافع کشورها در سطح بین‌المللی معرفی گردید.^۲ البته باید در نظر گرفت که حتی پیش از کاربرد واژه قدرت هوشمند، به‌صورت عملی در طول تاریخ نیز استفاده از این قدرت قابل‌ذکر است برای مثال، در طول جنگ سرد، غرب از قدرت سخت (قدرت نظامی) برای جلوگیری از تجاوزات شوروی استفاده کرده است ولی درعین‌حال، قدرت نرم را برای از بین بردن ایمان به

^۱ Suzanne Nossel

^۲ جوزف نای مدعی است که او نخستین بار در سال ۲۰۰۳ آن را ابداع کرده است (ولی به نظر می‌رسد درحالی‌که <https://www.foreignaffairs.com/articles/2009-07-01/get-smart?page=1>) قدرت هوشمند با سوزان ناسل و جوزف نای شناخته می‌شود ولی بیشتر استنادهای علمی سوزان ناسل را نخستین نظریه‌پرداز آن می‌نامند.

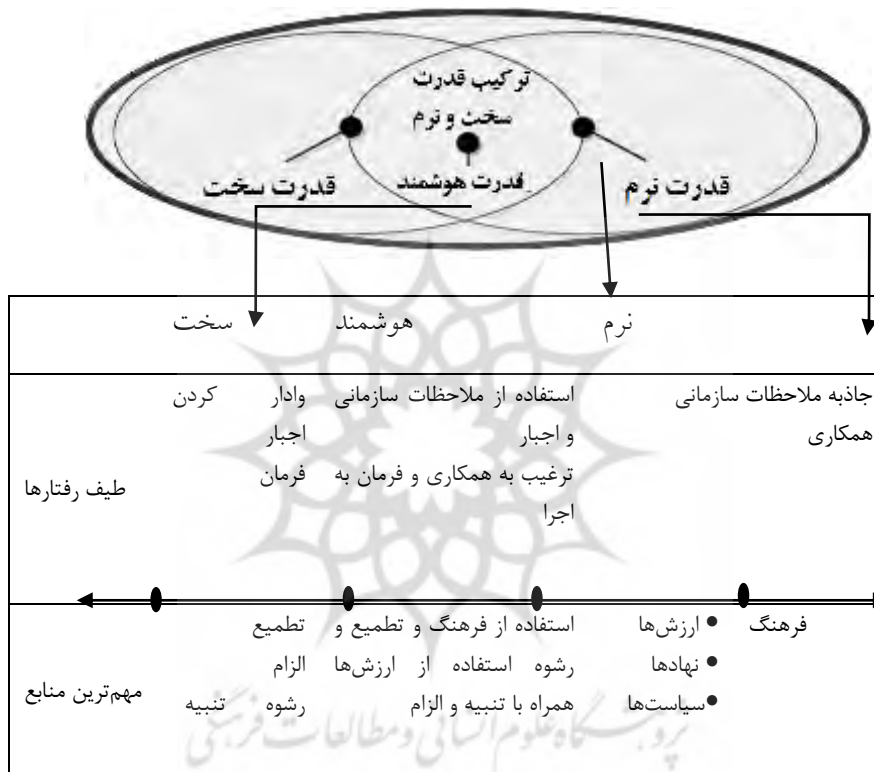
کمونیسم در پشت پرده آهین بکار بسته است. امروزه نیز برخی معتقدند که با درک اهمیت دو بعد سخت و نرم قدرت بازیگران برای موفقیت بیشتر در سیاست خارجی خود به تقویت هر یک از ابعاد قدرت تمرکز کنند تا بتوانند انعطاف عمل بیشتری داشته باشند. مثلاً اروپا باید بیشتر در منابع سخت خود سرمایه‌گذاری کند و ایالات متحده باید توجه بیشتری به قدرت نرم خود داشته باشد (Nye, 2006).

به صورت دقیق‌تر باید گفت رابطه میان دو مؤلفه قدرت هوشمند یعنی قدرت سخت و نرم یک رابطه پیچیده و تعاملی و با درصدی از ترکیب درهم‌تنیده است به طوری که این دو مؤلفه جایگزین کامل همدیگر نیستند بلکه اغلب یکدیگر را تقویت می‌کنند. اهمیت قدرت هوشمند به نظر نای در این است که در وهله نخست شناسایی این قدرت موجب به رسمیت شناختن اشکال مختلف قدرت (و نه تنها نظامی) می‌شود و امکان در اختیار گرفتن ابزارهای چندگانه در پیگیری اهداف سیاست خارجی می‌شود. دوم اینکه از نظر او، قدرت هوشمند نه به عنوان یک انتخاب بلکه یک رویکرد برای استفاده از قدرت به حساب می‌آید یعنی قدرت هوشمند، قدرت سوم نیست بلکه به عنوان یک روش یا یک رویکرد بهره‌برداری از قدرت است که به تصمیم‌گیرندگان فرصتی برای انتخاب بهترین راه بر سر یک مسئله خاص را می‌دهد؛ اهمیت سوم در این است که قدرت هوشمند متکی بر یک بازیگر نیست بلکه از نهادها، مشارکت‌ها و همچنین استفاده از شرکا و متحدان تأکید می‌ورزد زیرا قدرت هوشمند دارای ماهیتی نیز است که دست‌یابی به هدف سیاست خارجی را به صورت انفرادی تنها تصور نمی‌کند (جعفری فر و ابوالحسن شیرازی، ۱۴۰۰: ۶۱). در همین راستا، سیاست خارجی مبتنی بر قدرت هوشمند در بعد نرم می‌تواند از زمینه‌های فرهنگی، زبانی، مذهبی، آیینی، تاریخی، اعتقادی و حتی قومی بهره بگیرد. بنابراین رویکرد نرم آن برخلاف باورهای سنتی و رویکرد سخت به زمینه‌ها نیز بستگی خواهد داشت (Pallaver, 2011: 104, 112).

زمینه‌ها کمک می‌کند که توانایی برقراری ارتباط مثلاً از طریق یک زبان یا هویت مشترک به عنوان یک معیار قدرت نرم، شرایط بیشتری را برای مؤثر بودن این تبادل ایجاد کند. با تأکید بر هویت یا زبان مشترک نیاز به عوامل واسطه برای تقویت روابط کاهش یافته و نوع عمیق‌تری از درک متقابل امکان‌پذیر می‌گردد. همچنین راهی طبیعی برای ایجاد و

حفظ پیوندهای فرهنگی و در نتیجه جذابیت بین طرفین برقرار می‌شود (Nye 2004:75-76). در شکل زیر حوزه کاربرد قدرت هوشمند که ترکیب قدرت سخت و نرم است نشان داده شده است:

قدرت هوشمند؛ ترکیب قدرت سخت و نرم



منبع: نگارندگان

همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌شود قدرت هوشمند در فضای ترکیب دو قدرت سخت و نرم قرار دارد و از همین رو، هم قابلیت‌های استفاده قدرت سخت و نرم را در خود جای داده است. میزان استفاده از سختی یا نرمی بستگی به نوع موضوع و شرایط و امکانات یک بازیگر و محیط دارد. از آنجاکه دولت‌ها بازیگران عاقل هستند بنابراین مسائل مربوط به عقلانیت ارزشی باید در چارچوبی مشابه با مسائل عقلانیت ابزاری مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین متعادل کردن عناصر قدرت سخت و نرم در یک

استراتژی که هم ابزاری و هم منطقی ارزشی است، مستلزم نوعی ملاحظه، سنجش فرصت‌ها و موانع آتی و برداشت درست است (Jansson, 2018).

اشکال و روش‌های به‌کارگیری قدرت هوشمند

در کل شش نوع روش برای به‌کارگیری قدرت هوشمند علیه اهداف قابل‌بیان است که عبارت‌اند از: شکل موازی، متوالی، دورانی، مولد، متغیر و شبکه‌ای.

مدل موازی: استفاده موازی از قدرت، به کار گرفتن انواعی از قدرت نرم همراه با انواعی از قدرت سخت، به‌سادگی و به‌طور هم‌زمان، تدریجی و متمرکز علیه چند کشور یا نقاط هدف است. نمونه موفق آن در جنگ سرد آمریکا و شوروی مشاهده است.

مدل متوالی: شکل متوالی استفاده از انواع قدرت، مانند مدل موازی عمل می‌کند با این تفاوت که به‌کارگیری قدرت سخت و نرم هم‌زمان نیست، اما با صرف کمترین هزینه، متمرکز و پایدار بر انجام هدفی خاص است. نمونه اول را می‌توان در مواجهه آمریکا با لیبی و عراق و نمونه دوم را در برخورد آمریکا و افغانستان می‌توان یافت.

مدل دورانی: در این مدل بسته به میزان اطاعت‌پذیری دولت هدف در قبول کردن پیشنهاد هویج (تطمیع) درازای نخوردن چماق (تهدید)، اعمال قدرت سخت و نرم به‌صورت بازی شرطی تکرار می‌شود. نمونه آن برجام است.

مدل مولد: شیوه مولد در به‌کارگیری قدرت سخت و نرم، شکلی فریبنده است که دولت رقیب نمی‌تواند به‌سادگی دریابد با کدام نوع از قدرت مواجه است. این مدل همچون عروسک‌های تودرتوی ماتروشای روسی است که هر عروسک در دل خود عروسکی دیگر را پنهان دارد و وجود هر کدام، نفوذ خاموش دیگری را خبر می‌دهد. مثلاً آمریکا با هالیوود تأثیری فریبنده در تبلیغ و توجیه ارتش و عملکرد نظامی این کشور در افغانستان و عراق را می‌سازد یا مثلاً کمک‌های بشردوستانه یا خدمات هلال‌احمری ارتش آمریکا.

مدل متغیر: مدل متغیر الگویی است که در آن بسته به قدرت تدافعی و سطح هشپاری رقیب، در هر دوره جهتی خلاقانه و غیرقابل‌پیش‌بینی برای اعمال قدرت نرم و سخت در نظر گرفته می‌شود. مثل خروج آمریکا از برجام

مدل شبکه‌ای: مدل شبکه‌ای قدرت هوشمند، شکلی پرهزینه، پیچیده و برنامه محور برای شکست راهبردی و مرعوبیت همه‌جانبه دولت رقیب محسوب می‌شود. این مدل شباهت زیادی به تقابل ترکیبی یا جنگ‌های موسوم به نوع هیبریدی دارد. از جمله اقدامات اسرائیل علیه محور مقاومت که از طریق سرویس‌های اطلاعاتی انجام می‌شود (جلیلی، ۵۴۱۳۹۹-۵۷).

اشکال به کارگیری قدرت هوشمند علیه اهداف

شماره	شکل	توصیف	توضیحات	ویژگی‌ها	تأثیر بر هدف	تمثیل سیاسی
۱	موازی	ریل راه‌آهن	تبلیغات نرم همراه با تهدیدات سخت	هم‌زمان، تدریجی، ساده، متمرکز، پرهزینه	فرسایش، عادت‌پذیر، انرژی بر، استحاله‌ای	جنگ سرد آمریکا و شوروی
۲	متوالی	کیسه مشت‌زنی	تبلیغات قبل و بعد از جنگ	ناهم‌زمان، مرحله‌ای متمرکز، کم‌هزینه	اقتناع‌کننده، هدایت‌گری، محصورسازی	پذیرش مکرر، مذاکره ذیل تحریم و تهدید
۳	مولد	عروسک ماتروشکا	تبلیغات برای ترس جنگ برای جذب	آنی، کم‌هزینه، برنامه‌ای، تصاعدی	نفوذکننده، فریبنده، گسترش، سرطانی	تأثیر هالیوود و بی‌بی‌سی بر رفتار
۵	متغیر	موشک کروز	تغییر دائم استراتژی برهم زدن بازی	آنی، پیش‌بینی‌ناپذیر، کم‌هزینه، خلاقانه	گیج‌کننده، فریبنده، هزینه‌بر و چالش‌ساز	خروج ترامپ از برجام در وقت تعهد
۶	شبکه‌ای	کرم هوشمند	جنگ هیبریدی، سازمان چندمنظوره	همه‌زمان، پرهزینه، برنامه‌ای، پیچیده	فلج‌کننده، هدایت‌گری و فرسایشی، مرعوب ساز	رویکرد غرب با ایران از ۲۰۰۹

(جلیلی، ۱۳۹۹: ۵۹)

بحران قره‌باغ و تأثیر آن بر سیاست ترکیه

در دوران حیات حکومت اتحاد جماهیر شوروی، نزاع جمهوری ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر منطقه قره‌باغ از حد اعتراضات گاه‌وبیگاه طرفین فراتر نرفت که دلیل آن می‌تواند اقتدار آهنین مسکو در آن دوران باشد. با انجام اصلاحات گورباچف اختلافات قره‌باغ آغاز شد. از ابتدای سال ۱۹۸۸ به تدریج نزاع و کشمکش بین ارمنه و آذری‌ها در جنوب قفقاز آشکار شد و هنگامی که مجلس قره‌باغ در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۸ به جدایی کامل قره‌باغ از جمهوری آذربایجان و پیوستن آن به ارمنستان رأی داد تنش‌ها شدت گرفت. در اصل درگیری بین دو کشور قفقاز جنوبی در سال ۱۹۸۸ هنگامی آغاز شد که ارمنستان ادعاهای سرزمینی خود علیه جمهوری آذربایجان را مطرح کرد. آرزوی دستیابی به ارمنستان بزرگ، شکل‌گیری یک شبکه قوی از مهاجران ارمنی در کشورهای دیگر (دیاسپورا) و قدرت یافتن این گروه در کشورهای غربی و روسیه و در نهایت بروز وجوه رادیکالی و چپ‌گرایانه در میان نخبگان ارمنی، باعث شکل‌گیری یک نیروی عظیم روانی-اجتماعی برای تشکیل احزاب افراطی مانند داشناکسیون و اشغال قره‌باغ در فاصله مابین ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ گردید. پشتیبانی روسیه و جنگ حاکمیت در باکو از دیگر عواملی بودند که به اشغال ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان توسط نیروهای ارمنی و آواره شدن یک میلیون آذربایجانی منجر شد. در این جنگ نیروهای ارمنی موفق شدند علاوه بر منطقه قره‌باغ کوهستانی هفت منطقه دیگر جمهوری آذربایجان را نیز که در اطراف منطقه قره‌باغ کوهستانی قرار داشتند به اشغال نظامی خود درآورند (خیری، ۱۳۹۷: ۱۰۲).

با از دست رفتن اراضی مسئله بازپس‌گیری برای آذربایجان بسیار حائز اهمیت واقع شد و تمام تلاش سیاستمداران آذربایجان بر آن شد تا از همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی استفاده کرده تا بتوانند اراضی از دست‌رفته را دوباره به خاک اصلی خود بازگردانند. علل شروع جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ عبارت‌اند از: ناامیدی آذربایجان از اقدامات سازمان ملل، ناامیدی از میانجیگری گروه مینسک، لاینحل ماندن بحران و طولانی شدن آن، تقویت قدرت نظامی آذربایجان، اعلام حمایت ترکیه، نگاه رو به شرق آمریکا و روی کار آمدن دولت غرب‌گرا در ارمنستان است. در این میان آنچه فراتر از

تنش دو کشور بر سر قره‌باغ است نقش کشورهای خارجی از جمله ترکیه است چراکه بحران قره‌باغ به موضوعی برای نفوذ کشورها در منطقه قفقاز جنوبی تبدیل شده است. در ادامه به بررسی سیاست‌های ترکیه و استفاده از دو قدرت سخت و نرم در بحران قره‌باغ پرداخته خواهد شد.

رویکرد قدرت هوشمند ترکیه در بحران قره‌باغ

در خصوص چارچوب تحلیل قدرت هوشمند و تطبیق آن با سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران قره‌باغ باید گفت ترکیه با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه خود را به‌عنوان کشوری با نقش پیرامونی در منطقه و نظام بین‌الملل که در دوران جنگ سرد داشت، نمی‌بیند و تلاش دارد تا با اتخاذ راهبردهای متناسب با محیط به یک قدرت اصلی حداقل در برخی مناطق تبدیل شود. بدین ترتیب دور از انتظار نیست که ترکیه به‌جای تعیین اولویت‌های ملی و منطقه‌ای خود در رابطه با ترجیحات ساختاری یا تنش‌های یک سیستم جهانی قطبی شده، دیدگاهی را اتخاذ می‌کند که مبتنی بر پیشینه جغرافیایی و تاریخی خود است (Kalin, 2011: 15).

باید گفت رویکرد سیاست خارجی و راهبرد سیاسی ترکیه با تغییر بزرگی که متأثر از نظر احمد داوود اوغلو، استاد روابط بین‌الملل و نظریه‌پرداز سیاست خارجی این کشور است رقم خورد. این رویکرد در سال ۲۰۰۱ در کتاب "عمق استراتژیک"^۱، بیان می‌دارد که سیاست خارجی ترکیه نامتعادل است چراکه تأکید بیش از حد به روابط با اروپا و آمریکا و نگاه به غرب، مانع از توجه به مناطق جغرافیایی و تاریخی به‌عنوان مناطق عمق استراتژیک شده است (حاج یوسفی و ایمانی، ۱۳۹۰: ۸۳). این دکترین بیان می‌دارد که ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل، از موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن نشئت می‌گیرد (سمیعی اصفهانی و فرهمند، ۱۳۹۶: ۱۳۱)؛ بنابراین بر طبق این دکترین اصول سیاست خارجی خواستار تعامل فعال و مؤثر با همه نظام‌های منطقه‌ای در همسایگی ترکیه، از جمله قفقاز جنوبی است. بنابراین رویکرد قدرت هوشمند در جهت تحقق سیاست‌های اعلامی ترکیه نیز همساز است به‌ویژه آنکه با قدرت‌یابی حزب

^۱Depth Strategic

عدالت و توسعه در ۳ نوامبر ۲۰۰۲ سیاست این کشور چنان اتخاذ شده است تا فقط به داخل ترکیه محدود نشوند، بلکه ترکیه بتواند در تحولات منطقه‌ای به‌عنوان یک بازیگر اصلی ظاهر شود و به‌جای انتظار، ابتکار عمل را در دست گیرد (گورزی و معبودی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

رویکرد سیاستمداران آنکارا نیز همین را نشان می‌دهد. در ۲۴ مارس ۲۰۲۱، اردوغان بر استراتژی‌های ۱۹ ساله حزب اعتدال و توسعه تأکید کرد. در این کنگره "ترکیه قوی" شعار برگزیده بود و منظور این بود که به‌غیراز وحدت ملی و رفاه ملت، بر قدرت منطقه‌ای ترکیه پافشاری گردد. باید در نظر داشت که در عمل نیز ترکیه سیاست خارجی فعالانه‌ای را در قفقاز، خاورمیانه و مدیترانه شرقی دنبال کرده است (سمیعی اصفهانی و فرهمند، ۱۳۹۶: ۱۳۱). از همین رو سیاست‌های این کشور در بحران قره‌باغ در راستای سیاست‌های اعلامی و مدنظر ترکیه قرار دارد تا با در نظر گرفتن منافع آتی خود و درک نقش بیشتر خود در بین‌الملل تلاش کند تا به هر طریقی جهت نفوذ در مناطقی چون قفقاز جنوبی اقدام کند و مهم‌ترین مزیت اعمال این سیاست وجود کشور آذربایجان است که ترکیه می‌تواند با اتخاذ قدرت هوشمند خود حداکثر بهره‌برداری را از مسئله اختلاف آذربایجان و ارمنستان بر سر مناقشه قره‌باغ کند. در ادامه به دو کاربرد نرم و سخت که پایه‌های مفهوم قدرت هوشمند در سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران قره‌باغ است پرداخته خواهد شد.

قدرت نرم ترکیه در بحران قره‌باغ

پتانسیل قدرت نرم ترکیه تا حد زیادی با تاریخ، فرهنگ و موقعیت جغرافیایی آن تعیین می‌شود. یک عامل خارجی مهم که سیاست قدرت نرم ترکیه را فعال کرد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود. پس ارسال ۱۹۹۱ کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی در حوزه نفوذ بالقوه ترکیه قرار گرفتند؛ اما این رویکرد به دلیل وجود مشکلات حل‌نشده در روابط دوجانبه برای همه کشورها مؤثر واقع نشد. به‌عنوان مثال، روابط ترکیه و ارمنستان هنوز به دلیل موضوع به رسمیت نشناختن نسل‌کشی ارمنی، امتناع ارمنستان از تصویب معاهده قارص و حمایت ترکیه از آذربایجان در مناقشه قره‌باغ پیچیده است. در مقابل، ابتکارات مختلف سیاسی و فرهنگی آنکارا در مقابل آذربایجان در ایجاد تصویر مثبت از

ترکیه در آذربایجان به قدرت نرم این کشور کمک کرده است. مفهوم "دو دولت - یک ملت" - که تأکید می‌کند آذربایجانی‌ها و ترک‌ها اشتراکات فرهنگی زیادی دارند اما در کشورهای مستقل جداگانه زندگی می‌کنند به درک متقابل بین نخبگان ترکی و آذربایجانی با منشأ قومی آناتولی‌ها و آذری‌ها و نزدیکی آن‌ها منجر شده است (Balci, 2019). باید در نظر گرفت که ترکیه به صورت هوشمند توانسته است تا علی‌رغم نداشتن اشتراک مذهبی ولی بر زبان و قومیت مشترک تکیه و تأکید کند تا جایی که ترکیه خود را در نقش برادر بزرگ‌تر کشورهای ترک‌زبان بداند (Azami & e.tal, 1394:84).

دو عامل دیگر در بحران قره‌باغ به تقویت قدرت نرم ترکیه در قره‌باغ و تقویت روابط با آذربایجان کمک کرده است یکی دید روشنفکران آذربایجانی نسبت به روابط دوجانبه با ترکیه است که آن را جزء مهم و کلیدی برای حفظ حاکمیت آذربایجان در برابر احیای مرزهای شوروی سابق توسط روسیه می‌داند و دوم آنکه آذربایجان و ترکیه هر دو با ارمنستان که طرف دیگر مناقشه قره‌باغ است روابط تیره دارند. از همین رو، در راستای حمایت ترکیه از آذربایجان موضع اصلی و صریح دیرینه ترکیه در پیوند با مسئله قره‌باغ فشار بر ارمنستان از طریق تأکید بر خروج نیروهای ارمنستان از قره‌باغ است چنانچه سابقه این مسئله را در ماه می ۲۰۰۹ و تأکید صریح اردوغان در سفر به آذربایجان می‌توان مشاهده کرد. اردوغان در این دیدار گفت: "یک رابطه علت و معلولی (در نبود روابط دیپلماتیک) وجود دارد و علت آن اشغال قره‌باغ توسط ارمنستان و در نتیجه بسته شدن مرزها است. بدون پایان اشغال، دروازه‌ها باز نمی‌شوند" (Alipour, 2015).

وجود روابط پیچیده و اختلاف‌زا بین ترکیه با همسایه خود عاملی در جهت سوق سیاست این کشور به سوی طرف دیگر مناقشه یعنی آذربایجان است که این امر موجب دلگرمی آذربایجان در تقویت روابط با ترکیه نیز است. به‌غیراز وجود اشتراکات قومی بین دو کشور در سوی دیگر قدرت نرم ترکیه در آذربایجان ناشی از دیدگاه مشترک دو کشور در قبال غرب و تأثیر نظام‌های غیردینی آنان نیز است. باید در نظر داشت که به‌غیراز گرایش سیاسی دو کشور به غرب، آذربایجان نقش مهمی در تأمین انرژی آینده اروپا از طریق ترکیه دارد. این کشور به‌خوبی می‌داند که برای حل مشکلات سیاسی و اقتصادی و همچنین حل مناقشه قره‌باغ کوهستانی مستلزم نیازمند در نظر گرفتن عوامل

داخلی و خارجی است. در مورد عوامل خارجی، لازم است که بازیگران مختلف درگیر شوند و نفوذ مطلق روسیه در منطقه کاهش یابد. از این رو منابع انرژی یک فرصت مناسب برای آذربایجان ایجاد می‌کند. موفقیت در امضای قراردادی با شرکت‌های غربی در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۴ که به «قرارداد قرن» معروف شد به ایجاد کنسرسیومی باهدف توسعه میادین نفتی آذری، چیراگ و گونشلی در آب‌های عمیق منجر شد. این امر باعث شد تا ایجاد همکاری پایدار و سازنده بین آذربایجان و ترکیه تقویت گردد و این انگاره را در دو طرف برای توسعه روابط دو کشور با چشم‌انداز بلندمدت به سبب نیاز به یکدیگر را تقویت کند. ترکیه با خط لوله باکو - تفلیس - جبهان به بازیگر اصلی صادرات نفت منطقه دریای خزر به بازارهای جهانی تبدیل شده و گفتنی است که نفت آذربایجان عمدتاً از طریق این خط لوله تأمین می‌شود؛ بنابراین در یک بعد صادرات انرژی و نیاز دو کشور برای توسعه موجب تقویت روابط فی‌مابین شد (See: Insightturkey, 2015). زمینه‌های متعدد چنان بر روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است که در مجموع باعث می‌شود که ترکیه در حمایت از آذربایجان در بحران قره‌باغ موضع بگیرد تا در قالب کشور دوست و برادر ظاهر شود. باید گفت راهبرد دیاسپورایا قومیت‌گرایی، سناریویی است که در سیاست خارجی ترکیه باهدف نزدیک شدن به این کشور بزرگ‌نمایی می‌شود درحالی‌که آنچه برای ترکیه مهم‌تر است منافع ژئوپلیتیکی است که در سایه شعارهای نرم داده می‌شود. به عبارت دیگر منافع ژئوپلیتیک این واقعیت را برهم می‌زند که ترکیه و آذربایجان از دوشاخه اسلام به ترتیب سنی و شیعه هستند بلکه ترکیه و آذربایجان چنان به یکدیگر با روابط قومی و زبانی مرتبط می‌شوند که به‌عنوان " دو کشور، یک ملت " خود را توصیف کنند (Kuzio, 2020).

نفوذ در قفقاز و دستیابی به منافع ژئوپلیتیک در حالی برای ترکیه اهمیت می‌یابد که طی دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰، ترکیه فاقد منابع لازم برای پیشبرد این اهداف خود بود؛ زیرا روابط اقتصادی، سیاسی و زیرساختی ایجادشده در دوران اتحاد جماهیر شوروی به روسیه موقعیت مطلوبی را در آسیای میانه در آن زمان بخشیده بود و روسیه ورود ترکیه را به این منطقه محدود می‌کرد (Hoobler, 2020:134). ملاحظه نفوذ روسیه و همچنین محدودیت منابع باعث می‌شود تا سیاستمداران آنکارا تشویق و حمایت آذربایجان به

جنگ را راهبردی مؤثر بدانند که به نفوذ آن‌ها در منطقه منجر می‌شود؛ بنابراین، ترکیه همچنان سعی دارد با ابزار نرم در منطقه نفوذ کند و به توسعه خود برای داشتن جایگاهی مناسب در محور اقتصادی و امنیتی شرق و غرب متعهد باشد (see: Hoobler, 2020:136)

قدرت نرم ترکیه در بحران قره‌باغ

عنوان	نرم	قدرت نرم ترکیه
طیف رفتار	جاذبه ملاحظات سازمانی	ترجیح حمایت از آذربایجان به جای ارمنستان
همکاری		تلاش برای ایفای نقش برادر بزرگ‌تر در حمایت از آذربایجان و فشار بر ارمنستان برای پس دادن اراضی
منابع	<ul style="list-style-type: none"> ● فرهنگ ● ارزش‌ها ● نهادها ● سیاست‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> تأکید بر عامل قومیت‌گرایی وجود اشتراکات نظام غیردینی و گرایش به غرب سیاست گسترش نفوذ و نقش در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی

منبع: نگارندگان

قدرت سخت ترکیه در بحران قره‌باغ

ترکیه و آذربایجان دارای یک هویت ملی مشترک هستند، به یک‌زبان صحبت می‌کنند و از روابط بسیار محکم نه تنها بین دولت‌های خود، بلکه از آن مهم‌تر، بین جوامع خود برخوردار هستند. اگرچه این موضوع زمینه خوبی برای ایجاد یک مشارکت ایجاد می‌کند، اما این عناصر قدرت نرم به‌تنهایی نمی‌توانند در حفظ حرکت استراتژیک کافی باشند؛ بنابراین، ایجاد قابلیت‌های دفاع مشترک برای تقویت و پرورش ایده "دو دولت-یک ملت" ضروری است تا امکان تبدیل قدرت نرم به قدرت هوشمند را فراهم کند. در این زمان است که اتحاد نظامی بین باکو و آنکارا ایجاد می‌شود، زیرا ستون قدرت سخت روابط دوجانبه است (Kasapoglu, 2019).

همکاری نظامی آذربایجان و ترکیه مدت‌هاست که بسیار نزدیک بوده و شامل آموزش‌هایی بین ارتش‌های دو کشور می‌شود. این روابط در سال ۲۰۱۳ در هفت نوبت تقویت شده که در سال ۲۰۱۹ به سیزده نوبت رسید. در ۹ ماه اول سال ۲۰۲۰، واردات اسلحه آذربایجان از بخش دفاعی و هواپیمایی ترکیه ۱۲۳.۲۶ میلیون دلار بود. این امر

آذربایجان را به چهارمین واردکننده بزرگ اسلحه در جهان از ترکیه تبدیل کرد و در سپتامبر ۲۰۲۰، خرید آذربایجان به ۷۷.۱۶۷ میلیون دلار رسید (Ibadoglu, 2020).

افزایش فروش سلاح نشان‌دهنده نفوذ فرامرزی ترکیه در منطقه است و یکی از معیارهای استقبال سریع آذربایجان از آنکارا قبل از شعله‌ور شدن درگیری‌های چند دهه-ای بر سر قره‌باغ است؛ به نحوی که نخست‌وزیر ارمنستان، نیکول پاشینیان به رویترز گفت که فقط تغییر در موضع ترکیه می‌تواند آذری‌ها را وادار به توقف اقدامات نظامی در قره-باغ کند (Toksabay, 2020). قبل از آغاز جنگ آذربایجان ۱۲۳ میلیون دلار تجهیزات دفاعی و هواپیمایی از ترکیه در ۹ ماه نخست سال ۲۰۲۰ خریداری کرده. طبق داده‌ها فروش از ۲۷۸،۸۸۰ دلار در ماه جولای به ۳۶ میلیون دلار در ماه آگوست و ۷۷.۱ میلیون دلار در ماه سپتامبر افزایش یافته است. باید توجه داشت که فروش نظامی به آذربایجان در ۹ ماه نخست سال ۲۰۱۹ بالغ بر ۲۰.۷ میلیون دلار بوده است؛ بنابراین فروش تسلیحات ترکیه به آذربایجان قبل از جنگ قره‌باغ (۲۷ سپتامبر) اتفاقی نبوده است. بر اساس داده‌ها صادرات نظامی ترکیه به جمهوری آذربایجان، شش برابر شده بود (Toksabay, 2020)

با افزایش تنش‌ها در قره‌باغ، واردات باکو از آنکارا در سه‌ماهه سوم افزایش یافته است. با این حال ترکیه به این حد بسنده نکرده است و در بحران قره‌باغ ترکیه فراتر از ارسال سلاح و مستشار نظامی عمل کرد. این کشور علاوه بر فروش سلاح، از جنگجویان تروریستی سوری به نفع نیروهای آذربایجان استفاده کرده است. در این راستا، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در نشست اتحادیه اروپا در بروکسل از ترکیه درباره اینکه چرا شبه‌نظامیان اسلام‌گرای سوری را از طریق ترکیه به منطقه درگیری قره‌باغ کوهستانی در مرز آذربایجان منتقل کرده است توضیح می‌خواهد. او گفت که می‌توانم اعلام کنم که بیش از ۳۰۰ شبه‌نظامی اسلام‌گرای سوری که قبلاً منطقه حلب را ترک کرده بودند، از طریق غازیانتپ ترکیه به منطقه درگیری قره‌باغ کوهستانی منتقل شده‌اند. این یک واقعیت تأیید شده است، این افراد شناسایی شده‌اند، همه آن‌ها وابسته به سازمان تروریستی دولت اسلامی هستند. ماکرون گفت که من این موضوع را با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در میان گذاشته‌ام که او هم تأیید کرد که روسیه نیز این اطلاعات را در اختیار

دارد (Homeland-Security-Today, 2020). با این حال در ماه اکتبر، یک هیئت ترکیه‌ای از مسکو دیدن کرد و متوجه شد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه هیچ مناقشه‌ای با اهداف ترکیه ندارد. به گفته مقامات ترکیه، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، شوشا را «شهر آذربایجانی» توصیف کرد و به گفته مقامات ترکیه، تنها انتقاداتی را درباره استقرار مزدوران سوری مطرح کرد. با نزدیک شدن ارتش آذربایجان به استپانکرت، پایتخت قره‌باغ کوهستانی معروف به خانکندی در آذربایجان، ارمنستان با میانجیگری روسیه و ترکیه با آتش‌بس موافقت کرد (Middleeastee, 2020).

۲۶۱

گفتنی است که در ۳۰ سپتامبر، گاردین و سی‌ان‌ان گزارش‌هایی درباره جنگیدن مزدوران سوری برای ترکیه در قره‌باغ کوهستانی منتشر کردند. وزیر امور خارجه آذربایجان در بیانیه‌ای در تاریخ ۲ اکتبر، حضور مزدوران سوری را تکذیب کرد و ارمنستان را به استفاده از گروه‌های تروریستی متهم کرد و گفت: «حقایق متعددی در مورد استفاده ارمنستان از گروه‌های تروریستی و مزدوران در عملیات نظامی وجود دارد». روز بعد، ۳ اکتبر، الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، به الجزیره تکذیب کرد که مزدوران سوری در منطقه مستقر شده‌اند. او ادعای امانوئل ماکرون مبنی بر اینکه فرانسه شواهدی مبنی بر اعزام مزدوران سوری توسط ترکیه را تحقیر کرد (Humanrightscolumbia, 2020).

قدرت سخت ترکیه در بحران قره‌باغ

سخت	قدرت سخت ترکیه
طیف رفتار	شکست‌های متعدد ارتش ارمنستان از آذربایجان
وادار کردن اجبار فرمان	انتقاد از پیشنهاد غرب برای سازش
منابع تطمیع الزام	بستن قراردادهای نظامی آذربایجان با ترکیه
رشوه تنبیه	حمایت نظامی از آذربایجان برای حل مناقشه

منبع: (نگارندگان)

روش‌های به‌کارگیری قدرت هوشمند ترکیه در بحران قره‌باغ

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد در کل شش نوع روش برای به‌کارگیری قدرت هوشمند علیه اهداف قابل‌بیان است که عبارت‌اند از: شکل موازی، متوالی، دورانی، مولد، متغیر و



شبکه‌ای. با نگاهی به سیاست خارجی ترکیه مشخص می‌شود که ترکیه در بحران قره‌باغ از قدرت نرم و سخت در سه زمان پیش، حین و بعد از جنگ بهره‌برداری کرده است. در مدل موازی که به کار گرفتن انواعی از قدرت نرم همراه با انواعی از قدرت سخت، به‌سادگی و به‌طور هم‌زمان، تدریجاً و متمرکز است ترکیه توانست بعد از فروپاشی شوروی روابط خود را با به رسمیت شناختن استقلال آذربایجان و گسترش روابط به‌مرورزمان و با توجه به ملاحظات نفوذ روسیه و منابع خود را پیگیری کند. این کشور توانست به یکی از مهم‌ترین کشورهای صادرکننده سلاح به آذربایجان تبدیل شود و با رویکردهای نرم قومیتی این روابط را تقویت بخشد. باید گفت ترکیه مجبور است به سمت اولویت دیپلماتیکی و جنگ محدود (بدون درگیری با سایر کشورها) گرایش داشته باشد. همکاری نظامی ترکیه با آذربایجان در بحران قره‌باغ فرصتی برای ترکیه فراهم ساخت تا فاکتور فرهنگی روابط را به همکاری گسترده نظامی تبدیل کند و حمایت از آذربایجان برای تحکیم این جایگاه مهم بود (Kuzio, 2020).

در مدل مولد که دولت رقیب نمی‌تواند به‌سادگی دریابد با کدام نوع از قدرت مواجه است ترکیه سعی کرده است تا سایه‌ی حضور خود را در جنگ پررنگ نشان بدهد و هم خود را درگیر جنگ نکند. ترکیه از اینکه آذربایجان به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی گاز این کشور تبدیل شود و مسئولیت این کار را از روسیه بگیرد، احساس رضایت می‌کند و اهرم انرژی را برای تنظیم روابط خود با غرب ضروری می‌داند. این اقدام برای کل منطقه قفقاز جنوبی، دریای سیاه و جنوب غربی اروپا، تبعات عمده ژئوپلیتیکی دارد. احتمالاً تصادفی نیست که آذربایجان تنها پنج ماه قبل از آغاز جنگ آذربایجان و ارمنستان به تنها تأمین‌کننده گاز ترکیه تبدیل شد. ترکیه یک‌قطب حیاتی برای خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی و یکی از سه خط لوله در کریدور گاز جنوبی تلقی می‌شود که میدان شاه دنیز دوم آذربایجان را به بازار اروپا متصل می‌کند. اتحاد استراتژیک ترکی-آذربایجانی اولی را به‌عنوان یک‌قطب انرژی منطقه‌ای که عمدتاً مستقل از روسیه است، معرفی می‌کند درحالی‌که دومی را می‌تواند برای اولین بار به یک صادرکننده عمده گاز به اروپا تبدیل کند (Kuzio, 2020). ترکیه با تقویت نقش خود در بحران قره‌باغ، جایگاه بین‌المللی خود را در نزد سایر کشورها به‌ویژه اروپاییان و آمریکا بالا برد. باید گفت در

سال ۲۰۱۹، آذربایجان ۹.۲ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از طریق خط لوله قفقاز جنوبی که بخشی از یک کریدور انرژی مورد حمایت ایالات متحده است، به ترکیه تحویل داده است (Gravitasdesk, 2020). در نهایت باید به منافع اقتصادی ترکیه توجه شود؛ کماکان در ترکیه چشم‌انداز مطلوبی وجود دارد که این کشور به دلیل داشتن خطوط لوله جدید و پروژه‌های راه‌آهن و جاده‌ای در منطقه، یک دروازه استراتژیک به حوزه خزر، جمهوری‌های ترک در آسیای میانه و چین به دست خواهد آورد و درهای بازار عظیم ۳ میلیارد نفری برای ترکیه باز خواهد شد. برخی امیدوارند که برنامه‌های ترکیه با "سیاست سازش‌ناپذیر" دولت جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب آمریکا علیه روسیه نیز بیشتر تقویت شود. طبق بند نهم توافق‌نامه آتش‌بس ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰، جمهوری ارمنستان به منظور برقراری حرکت بدون مانع از اشخاص، وسایل نقلیه و بار در هر دو جهت، امنیت ارتباطات حمل‌ونقل بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را تضمین می‌کند (EN.KREMLIN, 2020).

در خصوص مدل شبکه‌ای به نظر می‌رسد با توجه به اینکه این مدل شکلی پرهزینه، پیچیده و برنامه محور برای شکست راهبردی و مرعوبیت همه‌جانبه دولت رقیب محسوب می‌شود ترکیه امکانات و ظرفیت خود را جهت مرعوبیت ارمنستان و روسیه را نتواند بکار ببندد این به سبب هم رویکرد محافظه‌کارانه ترکیه و هم درک هزینه و فایده است از این رو ملاحظات ژئوپلیتیک ترکیه بسیار محتاطانه خواهد بود. ترکیه عضو ناتو است و هرگونه ورود مستقیم نیروهای ترکیه به قره‌باغ می‌تواند واکنش‌های متعددی از سوی روسیه و حتی کشورهای اروپایی به همراه داشته باشد و از این رو از نیروهای غیررسمی استفاده شده است بنابراین ترکیه از پیامدهای ورود مستقیم خود را به جنگ قره‌باغ آگاه است. این کشور می‌داند که روسیه همواره تلاش کرده است تا تعادل نظامی بین دو کشور قفقاز جنوبی را حفظ کند بنابراین ورود ترکیه می‌تواند به ایجاد بحران در جنگ منتهی شود. اگر آنکارا تصمیم به ورود به درگیری می‌گرفت، مسلماً مسکو را نیز به درگیری می‌کشاند زیرا ارمنستان بخشی از سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) به رهبری روسیه است که متعهد به دفاع از کشورهای عضو در برابر تجاوزات خارجی است (UNNIKISHNAN, 2020). به علاوه یکی از مزایای روسیه داشتن یک پایگاه

نظامی در ارمنستان، نزدیک مرز ترکیه است. بنابراین ترک‌ها برای جلوگیری از تهدید اولویت اصلی روسیه یعنی حفظ و دفاع از وضعیت موجود در قفقاز جنوبی، در انجام اقدامات نظامی بزرگ مردم هستند (Besacenter, 2020). در قالب مدل متغیر الگویی که در آن بسته به قدرت تدافعی و سطح هشیاری رقیب، در هر دوره جهتی خلاقانه و غیرقابل‌پیش‌بینی برای اعمال قدرت نرم و سخت در نظر گرفته می‌شود ترکیه در خصوص استفاده از نیروهای تکفیری با این پیش‌فرض که از آن‌ها استفاده کرده است ولی از اعلام رسمی آن به خاطر تبعات و فشارهای بین‌المللی سرباز می‌زند باید گفت که مدل متغیر را بکار برده است. باید گفت از نظر قدرت هوشمند این مسئله بیانگر توانایی و ظرفیت قدرت غیررسمی ترکیه در میدان قره‌باغ تلقی می‌شود.

در مدل متوالی همان‌طور که بیان شد به‌کارگیری قدرت سخت و نرم هم‌زمان نیست، اما با صرف کمترین هزینه، متمرکز و پایدار بر انجام هدفی خاص است در این راستا باید گفت ترکیه آگاه بود که در صورت عبور آذربایجان از یکی از خطوط قرمز روسیه است که به تعبیر برخی عدم تسلط نیروهای آذری بر بزرگ‌ترین شهر قره‌باغ کوهستانی استپانکرت یا قطع این منطقه از خطوط تدارکاتی ارمنستان است (Aljazeera, 2020).

به روند صلح مخالفت نورزید. این در حالی است که آذربایجان به‌صورت کامل موفق به بازپس‌گیری اراضی اشغالی نشده بود. به‌طورکلی ترکیه برای دستیابی به منافع واقعی خود در آذربایجان نیازمند توجه به منافع دو کشور همسایه و قدرتمند یعنی روسیه و ایران نیز است. در این میان قدرت هوشمند ترکیه ایجاب می‌کند که از تنش با این دو کشور در قفقاز جنوبی دوری گزینند و ملاحظات آن‌ها را در نظر بگیرد. همان‌گونه که درباره گشایش پایگاه نظامی ترکیه در منطقه زنگیلان در جوار ایران و منطقه جنوبی ارمنستان واکنش روسیه بسیار حساس بود و پسکوف در واکنش به تحقق چنین احتمالی گفت: "استقرار زیرساخت‌های نظامی از سوی یکی از کشورهای عضو ناتو (ترکیه) در نزدیکی مرزهای روسیه، توجه ویژه ما را برمی‌انگیزد و دلیلی می‌شود تا ما برای اطمینان از امنیت و منافع خود اقدام کنیم" (Azatutyun, 2021).

بدین ترتیب قدرت هوشمند ترکیه موجب شد تا به دستاوردهای حداقلی از این جنگ راضی باشد چراکه ترکیه با روسیه به‌عنوان یک قدرت رقیب در همسایگی خود مواجه

است. این دو کشور از متحد بودن فاصله زیادی دارند زیرا اهداف آن‌ها در خاورمیانه اغلب در تقابل مستقیم با یکدیگر قرار دارند ولی هر دو متوجه هستند که به یکدیگر در مسائل منطقه‌ای نیاز دارند، زیرا بدون موافقت دیگری نمی‌توانند به اهداف خود برسند. درحالی‌که ترکیه در تلاش برای حضور در مذاکرات صلح به دلیل حمایت سیاسی و نظامی از جمهوری آذربایجان انتظار داشت اما روسیه اجازه این امر را به آنکارا نداد... بدین ترتیب هنگامی که ارمنستان در جنگ با آذربایجان مغلوب شد این روسیه بود که از موضع قدرت توانست بر سر میز مذاکره حاضر شود. با این حال، توافق آتش‌بس از شکست قطعی ارمنستان و اخراج احتمالی ساکنان ارمنی قره‌باغ جلوگیری کرد که از یک بعد به دلایل مذهبی مطلوب ارمنستان و روسیه می‌توانست باشد. روسیه برای محافظت از ساکنان ارمنی این منطقه و دورنگه داشتن دو طرف متخاصم و پاسداری از دلانی که ارمنستان را به قره‌باغ متصل می‌کند دو هزار صلح‌بان به منطقه اعزام کرد. اکنون دسترسی ارمنستان به قره‌باغ توسط نیروهای نظامی روسیه تضمین شده است. مورد دیگر از اهداف اصلی روسیه در قفقاز جنوبی می‌تواند جلوگیری از ایجاد آذربایجان بزرگ و نظارت بر روابط با ترکیه باشد (ابوالحسن شیرازی و جعفری فر، ۱۴۰۱: ۱۳)؛

اما همان‌طور که بیان شد حمایت ترکیه از آذربایجان موجب تقویت روابط این دو کشور خواهد شد. باید در نظر گرفت که روابط ترکیه و آذربایجان حتی در سال ۲۰۰۸ که ترکیه سیاست نزدیکی با ارمنستان را دنبال کرد، ضربه بزرگی خورد. سینان اولگن، دیپلمات سابق ترکیه در این باره بیان می‌دارد: "شکست این تلاش‌های دیپلماتیک بین ترکیه و ارمنستان نقطه عطفی برای روابط ترکیه و آذربایجان بود" اما روابط نظامی بین ترکیه و آذربایجان در ۱۰ سال گذشته به‌طور قابل توجهی عمیق‌تر شد زیرا این کشور غنی از نفت و گاز هزینه‌های زیادی برای به دست آوردن برتری نظامی بر همسایه فقیرتر خود ارمنستان صرف کرده است. در همین حال، سیاست خارجی فعلی حزب عدالت و توسعه از رویکرد قدرت نرم «بدون مشکل با همسایگان» که در سال‌های اولیه تا اواسط حکومت خود دنبال می‌کرد، تغییر کرده است (Aljazeera, 2020).

در خصوص مدل دورانی نیز می‌توان گفت که از آنجاکه در این مدل بسته به میزان اطاعت‌پذیری دولت هدف در قبول کردن پیشنهاد هویج (تطمیع) درازای نخوردن چماق

(تهدید)، اعمال قدرت سخت و نرم به صورت بازی شرطی تکرار می‌شود ترکیه در سال ۲۰۰۸ تلاش کرد با نزدیک شدن به ارمنستان مسئله نسل‌کشی و اتهامات را رفع کند ولی با شکست این سیاست تطمیعی و به خاطر عبور از روابط تیره با آذربایجان بر سر این قضیه تمام تلاش خود را پیش از جنگ انجام داد که روابط با ارمنستان را منوط به بازگرداندن اراضی اشغالی به آذربایجان کند و از همین رو، در جنگ اخیر نیز به طرفداری از آذربایجان برخاست چراکه پیشنهاد هویج کارساز نبود و در نتیجه چماق (تنبیه) استفاده شد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش تلاش داشت تا به بررسی راهبردهای سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران قره‌باغ بپردازد. با توجه به سیاست خارجی ترکیه در تقویت جایگاه خود در منطقه قفقاز جنوبی و روابط دیرینه ترکیه و آذربایجان که دارای اشتراکات تاریخی و فرهنگی هستند با این حال ترکیه از لحاظ دستیابی به منافع ژئوپلیتیک و نفوذ در قفقاز طی دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ به سبب نداشتن منابع لازم برای پیشبرد این اهداف خود و نفوذ روسیه موفق نبود اما به نظر می‌رسد که سیاست‌های حزب عدالت و توسعه می‌کوشد تا در شرایط حاضر بر نفوذ منطقه‌ای ترکیه بیفزاید. از همین رو، وجود اختلاف سرزمینی حاکم بر منطقه قفقاز که موجب شکل‌گیری درگیری‌ها و قطب‌بندی‌ها درون این منطقه شده بود منجر به آن شد که از آذربایجان در قبال ارمنستان بحران قره‌باغ حمایت کند. این تصمیم آذربایجان بعد از شکست قطعنامه‌های سازمان ملل در بازپس‌گیری مناطق اشغال‌شده توسط ارمنستان و عدم موفقیت گروه مینسک در حل بحران به شیوه مسالمت‌آمیز باعث شد تا در سال ۲۰۲۰ دست به اقدام نظامی بزند. از این نظر شروع جنگ به‌عنوان یک فرصت برای نفوذ ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی به حساب می‌آید که از طریق نزدیک شدن به آذربایجان می‌تواند دستاوردهایی را عاید ترکیه سازد.

سیاست خارجی ترکیه با در نظر گرفتن امکانات این کشور، نفوذ قدرت‌هایی چون روسیه و هزینه‌های ورود مستقیم به جنگ موجب اتخاذ ترکیبی از دو قدرت نرم و سخت شد تا به حمایت از آذربایجان در جنگ با ارمنستان برای آزادسازی مناطق

اشغالی دست زند. قدرت نرم این کشور به سبب پیوندهای قومی و تأکید بر آن، وجود دشمنی آذربایجان و ترکیه با ارمنستان، گرایش به غرب دو کشور و اطمینان مقامات ترکیه بر حمایت از آذربایجان و همچنین درک مشترک دو طرف بر اهمیت روابط در جهت توسعه اقتصادی و انتقال انرژی به اروپا اهمیت به سزایی داشت. در مقابل رویکرد سخت ترکیه کمک‌های نظامی و مستشاری و اعزام جنگجویان تکفیری بوده است. ترکیب دو بعد قدرت نرم و سخت در سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران قره‌باغ موجب شد تا بعد از یک‌صد سال نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه در منطقه قفقاز رقم بخورد و از طریق ارتباط نزدیک‌تر با آذربایجان بتواند به این هدف دست یابد.

منافع ترکیه از این نفوذ بعد از پیروزی آذربایجان این می‌تواند باشد که در وهله نخست ترکیه به‌عنوان کشوری بسیار نزدیک به آذربایجان که نقش برجسته‌ای در تأمین انرژی اروپا خواهد داشت شناخته شد. دوم منافع اقتصادی است که ترکیه از نقش ترانزیت انرژی خود در انتقال انرژی آذربایجان به اروپا و دیپلماسی انرژی با سایر کشورها چون ترکمنستان در کنار گسترش پروژه‌های راه‌آهن و جاده‌ای در منطقه به‌عنوان یک دروازه استراتژیک به حوزه خزر، آسیای میانه و چین برای خود متصور است. همچنین مداخله ترکیه می‌تواند نه تنها بهترین استفاده را در چانه‌زنی‌های خود با اروپا انجام بدهد بلکه با برجسته شدن نقش ترکیه در تحولات منطقه‌ای چون قره‌باغ این کشور برای خود پرستیژ و جایگاه بالاتر در عرصه نظام بین‌المللی متصور است. از همین رو، سیاست‌های پیرامونی ترکیه در شرایطی که آذربایجان به حمایت این کشور در مقابله با ارمنستان امیدوار بود زمینه را برای حضور فعال‌تر و ورود به منطقه برای این کشورها فراهم ساخت.

در خصوص روش‌های به‌کارگیری قدرت هوشمند ترکیه در بحران قره‌باغ باید گفت از زمان به استقلال رسیدن آذربایجان از شوروی، کشور ترکیه با به رسمیت شناختن این کشور تلاش خود را جهت تقویت روابط آغاز کرد و بر عامل‌های پیونددهنده این روابط همچون قومیت پافشاری کرد. ترکیه با درک توانمندی‌های خود، وضعیت همسایگان و حساسیت‌های کشورهای منطقه‌ای تلاش کرد که به تدریج بر تقویت

روابط خود با آذربایجان کوشش کرده و با حمایت‌های سخت و نرم به این مسئله دست یابد.
در کل روش‌های استفاده از قدرت هوشمند ترکیه در بحران قره‌باغ در نمودار زیر آمده است:

بکارگیری قدرت هوشمند ترکیه در بحران قره‌باغ

مدل موازی	<ul style="list-style-type: none"> • رسمیت شناختن استقلال آذربایجان و گسترش روابط به‌مرورزمان • پیگیری منابع خود با توجه به ملاحظات نفوذ روسیه • تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین کشورهای صادرکننده سلاح • تقویت رویکردهای قومیتی • تقویت اولویت دیپلماتیکی و جنگ محدود (بدون درگیری با سایر کشورها)
مدل شبکه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> • درک امکانات و رویکرد محافظه‌کارانه در ورود به جنگ • عدم برانگیختن روسیه و حتی کشورهای اروپایی به‌عنوان عضو ناتو • جلوگیری از تهدیدانگاری ترکیه و حفظ وضعیت • متهم به به‌کارگیری نیروهای تکفیری بدون پذیرش اعلام رسمی آن
مدل متوالی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم اصرار به جنگ علی‌رغم عدم تسلط کامل آذری‌ها بر اراضی اشغالی • توجه به دوری از تنش با دو کشور همسایه و قدرتمند یعنی روسیه و ایران • توجه به حساسیت‌های همسایگان نسبت به پایگاه نظامی ترکیه در منطقه زنگیلان • همراهی با روسیه برای صلح • پذیرش عدم حضور در میز مذاکرات صلح • همراهی با استقرار دو هزار صلح‌بان که توسط نیروهای نظامی روسیه تضمین شده است. • اطمینان یافتن از نقش روابط نظامی بین ترکیه و آذربایجان در نفوذ به قفقاز جنوبی
قالب مدل مولد	<ul style="list-style-type: none"> • ترکیه سعی کرده است تا سایه‌ی حضور خود را در جنگ پرننگ نشان بدهد • ترکیه خود را درگیر مستقیم جنگ نکرد • ترکیه به دنبال کسب قدرت اهرم انرژی آذربایجان به اروپا است • تلاش در تقویت جایگاه بین‌المللی خود در نزد سایر کشورها به‌ویژه

۲۶۸

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی چهل

و هفت، زمستان

۱۴۰۱

اروپاییان و آمریکا	قالب
استفاده از نیروهای تکفیری	مدل متغیر
درک شکست نزدیک شدن به ارمنستان برای رفع اتهامات	مدل دورانی
نسل‌کشی	
باز بودن فرصت تکرار روابط با ارمنستان منوط به بازگرداندن کامل اراضی اشغالی به آذربایجان کند	

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله؛ جعفری فر، احسان (۱۴۰۱)، بررسی تطبیقی سیاست خارجی روسیه در قبال قره‌باغ و اوکراین، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۵۸، تابستان ۱۴۰۱، صص ۳۷-۷
- اعظمی، هادی. زرقانی، سید هادی؛ سلطانی، محسن (۱۳۹۵)، سطح‌بندی متغیرهای فرهنگی - توریستی مؤثر برافزایش وابستگی ژئوپلیتیکی جمهوری خودمختار نخجوان به ایران، فصلنامه تحقیقات سیاست راهبردی، سال چهارم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۵، شماره ۱۶، صص ۹۳-۶۷
- جعفری فر، احسان؛ ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله (۱۴۰۰)، سیاست روسیه در بحران سوریه از منظر قدرت هوشمند، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم شماره چهارم، پیاپی ۴۳، صص ۸۵-۵۷
- جلیلی، محمد (۱۳۹۹)، نقش قدرت هوشمند در کارآمدی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم (ع)
- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ ایمانی، همت (۱۳۹۰)، تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه خوب و پیامدهای آن برای ایران، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۴-۷۵
- حق وردی، علیرضا (۱۳۹۴)، سنجش ارتباط تفکر استراتژیک با قدرت هوشمند، پایان‌نامه ارشد مدیریت اجرایی پیام نور مرکز تهران غرب
- خیری، مصطفی (۱۳۹۷)، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۲، تابستان ۱۳۹۷، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰۲، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۲۳-۹۸
- سمعی اصفهانی، علیرضا. سمعی اصفهانی فرهمند، صغری (۱۳۹۶)، کودتای ۲۰۱۶ ترکیه و آینده سیاسی حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه؛ با تأکید بر روش سناریونویسی، رویکردهای سیاسی و بین‌المللی، سال هفتم، ش ۴۵، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۵۶-۱۲۲

فلاحت پیشه، حشمت‌الله؛ شریتی، وحید؛ مظفری، محمد مهدی (۱۳۹۴)، سیاست خارجی ترکیه در قفقاز جنوبی و منافع ایران و روسیه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲، بهار

۱۳۹۴

کچوئیان، علیرضا (۱۳۹۳)، الزامات و سازوکارهای تلفیق قدرت نرم و سخت (قدرت هوشمند) در سیاست خارجی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی آمریکا در دوران اوباما در قبال ایران، پایان‌نامه ارشد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

گودرزی، مهناز؛ معبودی نژاد، فرشته (۱۳۹۵)، ابزارهای قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، مجله آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، دوره ۲۲، شماره ۹۳ خرداد ۱۳۹۵، صفحات ۱۲۳-

۱۵۸

Alipour, Ali (2015), Turkey's Stance towards the Main Developments in the South Caucasus, <https://www.insightturkey.com/articles/turkeys-stance-towards-the-main-developments-in-the-south-caucasus>

aljazeera (2020), What's Turkey's role in the Nagorno-Karabakh conflict? <https://www.aljazeera.com/features/2020/10/30/whats-turkeys-role-in-the-nagorno-karabakh-conflict>

Azatutyun. (2021, MAY 09). Russia Warns Of Response To Turkish Military Base In Azerbaijan: <https://www.azatutyun.am/a/31314958.html>

Balci, Bayram (2019), WHAT REMAINS FROM TURKISH SOFT POWER IN THE CAUCASUS? <http://turkishpolicy.com/blog/31/what-remains-from-turkish-soft-power-in-the-caucasus>

Besacenter (2020), Turkey's Win-Win Strategy in the Nagorno-Karabakh Conflict, <https://besacenter.org/turkey-nagorno-karabakh-strategy/>

EN. KREMLIN. (2020, nov 10). Statement by President of the Republic of Azerbaijan, Prime Minister of the Republic of Armenia and President of the Russian Federation: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/64384>

Hoobler, James (n.d.). Turkey's Relations with the Caucasus and Central Asia: Unrealized Ambitions, In j. S. J, F. Flanagan, S. Larrabee, & A. Binnendijk, TURKERY'S nationalist course (p. 133). RAND Corporation, Santa Monica, Calif.

Humanrightscolumbia (2020), THE MEDIA WAR BY AZERBAIJAN AND TURKEY AGAINST ARMENIA AND NAGORNO-KARABAKH, <https://www.humanrightscolumbia.org/news/media-war-azerbaijan-and-turkey-against-armenia-and-nagorno-karabakh>

Ibadoglu, G. (2020, NOV 17). Why Azerbaijan Won: <https://iwpr.net/global-voices/why-azerbaijan-won>

Insightturkey (2015), Turkish-Azerbaijani Energy Relations: Significant Leverage in the Implementation of the Foreign Policy Interests of Both Countries, <https://www.insightturkey.com/articles/turkish-azerbaijani-energy-relations-significant-leverage-in-the-implementation-of-the-foreign-policy-interests-of-both-countries>

Jafari Far, Ehssan. ؛ Abolhasan Shirzi, Habib (1400), Russia's Foreign Policy

۲۷۰

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره چهارم،

شماره پیاپی چهل

و هفت، زمستان

۱۴۰۱

- in Syria from the Perspective of Smart Power, International Relations Research, Volume 11, Issue 4 - Serial Number 43 February 2022, PP 57-85
- Jansson, Per (2018), Smartness as prudence: smart power and classical realism, <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/2158379X.2018.1523317>
- Kalin, Ibrahim (2011), "Soft Power and Public Diplomacy in Turkey", Perceptions, Vol.16, No. 3, autumn.
- Kasapoglu, Can (2019, 09 20). ANALYSIS - Towards two states but one smart power TurAz Eagle exercise marks the hard power pillar of the Turkish Azerbaijani bilateral ties: <https://www.aa.com.tr/en/analysis/analysis-towards-two-states-but-one-smart-power-/1589258>
- Kuzio, Taras (2020, nov 18). Turkey Forges a New Geo-Strategic Axis from Azerbaijan to Ukraine: <https://rusi.org/commentary/turkey-forges-new-geo-strategic-axis-azerbaijan-ukraine>
- Middleeasteye, (2020), Ankara and Azerbaijan put their differences aside in pursuit of a military victory over Armenia in Nagorno-Karabakh. The outcome is a huge geopolitical shift in Turkey's favour, <https://www.middleeasteye.net/news/turkey-azerbaijan-armenia-caucasus-return-why>
- Nye, Joseph (2004), Soft Power: The Means to Success in World Politics, (New York: Public Affairs, 2004
- NYE, Joseph (2006), BOOK REVIEWS Smart Power In search of the balance between hard and soft power, <https://democracyjournal.org/magazine/2/smart-power/>
- Reuters (2022), Turkey's arms exports to Azerbaijan surge, Baku's defence imports from Ankara rocketed in Q3, as tensions rose in Nagorno-Karabakh, <https://graphics.reuters.com/ARMENIA-AZERBAIJAN/TURKEY-ARMS/ygdvznyamvw/media-embed.html>
- Pallaver, Matteo (2011) Power and its forms: hard, soft, smart. MPhil thesis, London School of Economics and Political Science.
- tradingeconomics (2022), <https://tradingeconomics.com/turkey/exports/azerbaijan>
- Toksabay, Ece (2020/oct/14) Turkish arms sales to Azerbaijan surged before Nagorno-Karabakh fighting, available at: <https://www.reuters.com/article/armenia-azerbaijan-turkey-arms-int-idUSKBN26Z230>
- UNNIKRISHNAN, Nandan (2020, sep 29). Azerbaijan and Armenia: A new phase in an unpredictable conflict: <https://www.orfonline.org/expert-speak/azerbaijan-and-armenia-a-new-phase-in-an-unpredictable-conflict-74323>